

اکتساب زبان از دیدگاه قرآن و روان‌شناسی

* حمیدرضا ایمانی‌فر

** علی‌اصغر کاکوجویباری

*** محمدسعید فیاض

**** فرهاد شقاقی

چکیده

هدف از این تحقیق بررسی اکتساب زبان از دیدگاه قرآن کریم و روان‌شناسی می‌باشد. در بررسی اکتساب زبان از دیدگاه قرآن کریم، از روش تحلیلی استفاده گردید. نتایج تحقیق نشان داد که دیدگاه قرآن کریم همسو با رویکردهای تعامل‌گرایی - به‌ویژه رویکرد پدیدارگرایی - اکتساب زبان را با توجه به سه بعد ذاتی، شناختی و یادگیری تبیین می‌نماید. اکتساب زبان (تکلم) در دیدگاه قرآن کریم به سه قسمت «تکلم بنیادی»، «قول» و «لسان» تقسیم می‌شود. قرآن کریم اکتساب «تکلم بنیادی» را ذاتی، «قول» را شناختی و «لسان» را اکتسابی می‌داند؛ تقسیم‌بندی‌ای که در هیچ رویکرد دیگری شبیه به آن مشاهده نشده است و می‌توان آن را از اعجازهای علمی قرآن کریم دانست. تحقیقات تحلیلی بیشتر بر روی تکلم بنیادی، قول و لسان و فهم سازوکارهای رشدی آن می‌تواند مبحث اکتساب زبان را در روان‌شناسی به اجماع برساند.

واژگان کلیدی: اکتساب زبان، قرآن، روان‌شناسی.

* دانشجوی دکتری روان‌شناسی دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول: imanifar@gmail.com)

** دانشیار روان‌شناسی دانشگاه پیام نور

*** استایار علوم قرآن و حدیث دانشگاه پیام نور

**** دانشیار روان‌شناسی دانشگاه پیام نور

تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۹/۱۳

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۶/۲۳

مقدمه

هدف از این تحقیق، بررسی اکتساب زبان از دیدگاه قرآن کریم و روان‌شناسی می‌باشد. اکتساب زبان فرایندی است که انسان طی آن توانایی ادراک و فهم زبان و استفاده از کلمات و جملات را برای برقراری ارتباط به‌دست می‌آورد (Kosslyn & other, 1995, p.276). امروزه در بین روان‌شناسان در پاسخ به این سؤال که اکتساب زبان امری فطری است یا اینکه جنبه اکتسابی دارد، نظریاتی مختلف و در مواردی متضاد ارائه شده است که می‌توان این نظریات را در گروه‌های اصلی رفتارگرایی، شناختی، تعامل‌گرایی، زبان‌شناختی و فطری‌نگری قرار داد (Parilah & Others, 2010, p.47-58). در مقابل، قرآن کریم نیز کلمات متعددی در ارتباط با مفهوم زبان ارائه داده است؛ عباراتی مانند بیان، لسان، عجمی، عربی مبین، قول، صدر، قلب، تکلم، حدیث، هدایت و علم. بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های دیدگاه روان‌شناسی درباره اکتساب زبان با دیدگاه قرآن کریم که به اعتقاد مسلمان توصیف‌کننده جامع‌ترین (مانده، ۳) و معتدل‌ترین (بقره، ۱۴۳) روش زندگی است و اصول اساسی تمامی ادیان الهی را تأیید می‌نماید (نساء، ۱۶۲)، بسیار قابل توجه خواهد بود.

در بررسی اکتساب زبان از دیدگاه قرآن از روش تحلیلی که نوعی تفسیر قرآن به قرآن است، استفاده گردید. همچنین بررسی دیدگاه قرآن کریم درباره اکتساب زبان و تفاوت‌های دیدگاه قرآن کریم و روان‌شناسی در این باره، سؤالات این تحقیق می‌باشند.

۱. نظریات روان‌شناسی اکتساب زبان

وجود نظریات مختلف اکتساب زبان در روان‌شناسی و شواهد تأییدکننده و ردکننده برای هر یک، حاکی از عدم وجود یک نظریه جامع مورد توافق همه روان‌شناسان می‌باشد. در ادامه مهم‌ترین این نظریات به اختصار ارائه می‌گردد.

۱. نظریات رفتاری

طبق تبیین رفتارگرایان، برای یادگیری زبان به هیچ سازوکار پیچیده ذاتی یا ذهنی احتیاج نیست (اچسون، ۱۳۶۴، ص ۶۹). اسکینر یادگیری زبان را برحسب شرطی‌سازی عاملی تبیین می‌کرد و زبان

را مانند رفتاری که باید آموخته شود، تصور می‌نمود (Ipek, 2009, p.155-163). بعضی از مهم‌ترین انتقادات به این نظریه عبارتند از اینکه:

- کودکان خردسال عباراتی را که برای آن تقویت نشده و نشنیده‌اند، بر زبان می‌آورند (برک، ۱۳۸۷، ص ۳۰۳).

- کنترل گفتار کودک به وسیله تقویت و تنبیه غیرممکن است و افراد گوناگون در برخورد با رویدادهای واحد، گفتارهایی متفاوت با یکدیگر تولید می‌کنند (مشکوة‌الدینی، ۱۳۸۰، ص ۲۶۹).

- همه کودکان سیر مراحل طبیعی زبان‌آموزی را به ترتیب طی می‌نمایند (ناعمی، ۱۳۸۵، ص ۶۰).

۲. رویکرد نهادگرایی یا فطری‌نگر

رفتارگرایی اسکینر به‌شدت توسط نوام چامسکی (1959, p.36-58 به نقل از: Kendra, 2012, p.43) مورد حمله قرار گرفت؛ به‌گونه‌ای که نظریه او را تحریف واقعیت و افسانه‌سازی نامید. چامسکی معتقد بود که اسکینر به نقش دانش نحو^۱ در کفایت زبان توجه نکرده است. همچنین وی شرطی‌سازی اسکینر را در یادگیری زبان مردود دانست. چامسکی به یک رویکرد ریاضی براساس مطالعه نحو در اکتساب زبان اعتقاد داشت (Ibid). وی بر عوامل تعیین‌کننده فطری و زیست‌شناختی زبان تأکید می‌کند و معتقد است که کودک انسان، توانایی زبانی ارثی خاصی را به‌عنوان بخشی از ذهن خود داراست (مشکوة‌الدینی، ۱۳۸۰، ص ۲۷۵). چامسکی سازوکار مغزی زیستی یادگیری زبان را دستگاه فراگیری زبان^۲ می‌نامد و معتقد است که کودک توانایی تولید گفتارهایی را دارد که آنها را قبلاً نشنیده است (ناعمی، ۱۳۸۵، ص ۷۵). پیازه، از منتقدان این نظریه است که ذاتی بودن فراگیری زبان را رد می‌کند و هوش ناشی از ادراک‌های حسی ابتدایی در دوره رشد شناختی حسی - حرکتی را برای تشکیل و استواری هسته همگانی زبان کافی می‌داند (مشکوة‌الدینی، ۱۳۸۰، ص ۲۷۶).

۳. نظریه تعامل‌گرایان اجتماعی^۳

نظریه تعامل‌گرایی اجتماعی در زمینه رشد زبان کودک، بر نقش تعامل اجتماعی بین رشد کودک و اطلاع‌رسانی زبان‌شناختی بزرگ‌سالان تأکید می‌کند. اساس این نظریه بر تئوری

1. Syntactic knowledge.
2. Language Acquisition Device.
3. Social integrationist theory.

فرهنگی - اجتماعی ویگوتسکی، روان‌شناس شوروی سابق استوار است که تداوم‌دهنده نظریه او در جهان غرب، جروم برنر می‌باشد (Harris, 1992, p.101). این دیدگاه معتقد است که بیشتر رشد زبان‌شناختی کودکان از الگوگیری و تعامل با والدین و بزرگسالان و با تصحیح‌های آموزشی آنها نشئت می‌گیرد. در این رویکرد بر نقش بازخورد، تقویت، الگوگیری و تعامل با بزرگسالان که نقش تصحیح‌کننده‌های آموزشی را دارند، تأکید شده است (Ibid). تفاوت این دیدگاه با رویکرد رفتاری در تأکید آن بر مدل شناختی - اجتماعی و ساختارهای شناختی دیگر در کودکان است. ایده کلیدی دیگر در این نظریه، «منطقه تقریبی رشد» است که به مفهوم مجموعه تکالیفی است که یک کودک تنها با همکاری بزرگسالان قادر به انجام آن می‌باشد (Bruner, 1983, p.184).

۴. تئوری چارچوب ارتباطی^۱

تئوری چارچوب ارتباطی (RFT) (Hayez & others, 2001, p.132) همسو با رفتارگرایی اسکینری بیان می‌کند که بچه‌ها زبان را از طریق تعامل با محیط اکتساب می‌کنند. این تئوری مفهوم بافت‌گرایی کارکردی^۲ را در یادگیری زبان معرفی کرده است که بر اهمیت دستکاری متغیرهای روان‌شناختی مانند تفکرات، احساسات و رفتارها در بافت خودشان تأکید می‌کند. این نظریه با معرفی نوع خاصی از شرطی‌سازی عامل که به «ارتباط اشتقاقی پاسخ»^۳ معروف است، خود را از کار اسکینر متمایز می‌سازد. این نوع شرطی‌سازی تنها در نوع انسان رخ می‌دهد و باعث ایجاد ظرفیت برای یادگیری زبان می‌شود که بعضی از شواهد تجربی نیز از این دیدگاه حمایت کرده‌اند (Ibid).

۵. نظریه پدیدارگرایان^۴

نظریات پدیدارگرایی همچون مدل رقابتی مک وینی، اکتساب زبان را یک فرایند شناختی می‌دانند که از نیروی زیستی و محیط پدیدار می‌شوند. مطابق این نظریه، طبیعت و تربیت به‌تنهایی برای اکتساب زبان کفایت نمی‌کند. طرفداران این نظریه معتقدند فرایندهای شناختی در یادگیری

1. Relational frame theory.
2. Functional contextualism.
3. Derived relational responding.
4. Emergentist theories.

کلمات و قواعد زبان نقش دارند و فرایند اکتساب زبان را پیچیده‌تر از باورهای قبلی می‌دانند. بسیاری از تحقیقات تجربی نیز از این رویکرد حمایت کرده‌اند (Macwhinney, 1999, p.234). منتقدین چامسکی بیان می‌کنند که مفهوم ابزار اکتساب زبان توسط مردم‌شناسی تکاملی حمایت نمی‌شود. اکتساب زبان در رویکرد مردم‌شناسی تکاملی با انطباق تدریجی مغز انسان و تارهای صوتی صورت می‌گیرد؛ درحالی‌که در رویکرد چامسکی پارامترهای جفتی^۱ ظهور ناگهانی دارند. نظریات شناختی - کارکردی^۲ با استفاده از داده‌های مردم‌شناسی تکاملی نشان می‌دهند که چگونه ظرفیتش برای گرامر و نحو متکامل می‌شود (Pinker, 2007, p.77).

۶. یادگیری آماری در اکتساب زبان^۳

بعضی محققان مانند نیوپورت^۴ بر این اعتقادند که اساس اکتساب زبان بر سازوکارهای عمومی یادگیری، یعنی یادگیری آماری استوار است. در واقع رشد مدل‌های پیوندگرایان^۵، حمایت‌کننده نظریات آماری اکتساب زبان هستند (Scholz & Pullum, 2006, p.59-80). همچنین مطالعات تجربی یادگیری کلمات و نحو، از این دیدگاه حمایت کرده‌اند (Seidenberg & McClelland, 1998, p.523-560). نظریه آماری پیشنهاد می‌کند که وقتی زبان یاد گرفته می‌شود، یک یادگیرنده می‌بایست از ویژگی‌های آماری طبیعی زبان مانند الگوهای صدا، کلمات و شروع‌کننده‌های دستور زبان برای تولید ساختار زبان استفاده نماید (Cowie, 1999, p.34)؛ یعنی یادگیرندگان زبان به ترکیبات هجاها یا کلمات و ارتباط هجاها با یکدیگر حساس هستند. اما ضعف نظریه آماری در کیفیت داده‌های ورودی و ساختار نتایج برون‌داد است (Scholz & Pullum, 2006, p.59-80).

نظریه قطعه‌بندی^۶، یکی از نظریات وابسته به نظریه آماری اکتساب زبان می‌باشد. این دیدگاه بر نقش درون‌داد از محیط تأکید می‌کند. طرف‌داران این نظریه بر سازوکارهای مختلف یادگیری تأکید می‌کنند. ایده اصلی این تئوری بر اکتساب نموی قطعات معنادار قرار دارد. این

-
1. Binary parameters.
 2. Cognitive-functional theorists.
 3. Statistical learning in language acquisition.
 4. Newport.
 5. Connectionist.
 6. Chunking theories.

تغوری در چندین پدیده شبیه‌سازی شده در یادگیری نحو (Graf & Alibali, 2007, p.254-260) و اکتساب دانش آوایی تأکید کرده است (Lany & Soffran, 2010, p.48).

۷. رویکرد شناختی

طرفداران این رویکرد، یادگیری زبان را ناشی از توانایی‌های شناختی کودک، خلاقیت و علاقه او به درک و فهم معانی و بیان آنها همراه با اطلاعاتی که از تعامل با دیگران کسب می‌کند، می‌دانند (ناعمی، ۱۳۸۵، ص ۶۲). بنابراین تفکر و تجربه در این رویکرد، اساس زبان‌آموزی کودک خواهد بود. ژان پیاژه زبان را به‌عنوان پدیده‌ای ثانوی در درون روند عمومی رشد قلمداد می‌کند. وی به‌طور مستقیم به پدیده زبان‌آموزی توجه نمی‌کند. به‌نظر پیاژه برای رشد زبان و شناخت در انسان هیچ‌گونه طرح ذاتی پیشینی وجود ندارد. پیاژه به رشد زبان و زبان‌آموزی از راه توجه به رشد شناخت می‌نگرد؛ از این‌رو زبان‌آموزی زمینه اصلی بررسی‌های او را تشکیل نمی‌دهد. وی زبان کودک را به‌عنوان منبع داده‌های لازم برای بررسی رشد شناخت در نظر می‌گیرد. پیاژه هرگونه ویژگی ذاتی یا ارثی را برای فراگیری و رشد زبان انکار می‌کند. وی عقیده دارد که زبان‌آموزی به‌عنوان پدیده‌ای ثانوی در درون روند عمومی رشد و تطبیق شناختی کودک با محیط صورت می‌پذیرد. طبق نظریه پیاژه، کودک زبان را از طریق جذب و انطباق یاد می‌گیرد. وی معتقد است افکار و زبان کودک با یکدیگر تعامل دارند و فرایندهای فکری تعیین می‌کنند که بخش‌هایی از زبان درون‌سازی یا برون‌سازی شوند. عامل مهارکننده دانش پایه موجود، طرح‌واره کودک است (لرنر، ۱۳۸۴، ص ۴۵).

دو. اکتساب زبان از دیدگاه قرآن

در بررسی اکتساب زبان از دیدگاه قرآن، کلمات متعددی مورد بررسی قرار گرفت که در نهایت سه کلمه کلیدی مرتبط با موضوع شامل «تکلم»، «قول» و «لسان» مورد بررسی تحلیلی دقیق‌تری قرار گرفتند که به‌اجمال به بررسی این سه کلمه و نتایج حاصل از آن پرداخته می‌شود. همچنین به‌دلیل محدودیت حجم مقاله، تنها به ترجمه آیات قرآنی و حتی در بیشتر موارد به برداشت کوتاه مرتبط با موضوع آن آیه اکتفا شده است.

۱. لسان

از بررسی کلمه «لسان» در قرآن کریم، به اختصار نتایج زیر حاصل گردید:

۱. هر قومی یک لسان - عربی یا اجمعی - دارد (ابراهیم، ۴). از آنجاکه لسان تحت‌تأثیر قوم و فرهنگ جامعه تغییر می‌کند، هر فرد با توجه به قومیتی که دارد و در آن زندگی می‌کند، لسان مخصوص به خود و متفاوت با دیگر اقوام دارد. بنابراین لسان تحت‌تأثیر یادگیری قرار می‌گیرد و صرف بودن در یک قوم، باعث آموختن لسان خاص می‌شود. از آنجاکه لسان هر قوم تحت‌تأثیر همان قوم بوده و با لسان دیگر اقوام مختلف است، کاملاً تحت‌تأثیر انواع یادگیری مانند شرطی، مشاهده‌ای و تقلیدی و نیز تحت‌تأثیر روابط متقابل کودک و بزرگسالان، به خصوص والدین می‌باشد. بنابراین در اکتساب لسان انواع مختلف و متفاوت یادگیری و فرهنگ قوم نقش دارد. از این رو یادگیری و اکتساب لسان نیاز به آموزش و وجود قوم دارد.

۲. کتاب با لسان نوشته می‌شود (احقاف، ۱۲)، که می‌تواند فصیح (قصص، ۳۴)، آسان (مریم، ۹۷)، روان و گویا (شعرا، ۱۳) و بدون عقده و گره (طه، ۲۸-۲۷) توصیف شود. با توجه به این آیات کریمه می‌توان چنین برداشت کرد که منظور از لسان، شکل بیرونی و عینی سخن گفتن است. درحقیقت لسان، شکل بارز، نمایان و آشکار زبان است. از این رو افراد لال فاقد لسان هستند؛ یعنی در هر صورت لسان نمی‌تواند به صورت رمز و اشاره باشد و آیه‌ای در قرآن کریم مبنی بر اینکه «لسان» می‌تواند به صورت اشاره باشد، وجود ندارد.

۲. قول

از بررسی کلمه «قول» در کتب لغت و قرآن کریم نتایج زیر حاصل گردید:

۱. همان‌طور که در **اقرب الموارید** گفته شده، «قول» افشاگر زبان است (الخوری الشرتونی، ۲۰۰۲، ج ۴، ص ۵۶۶). در **قاموس** نیز «قول» موضوع کلام دانسته شده است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۴۷). از این رو می‌توان به این نتیجه رسید که محتوای بارز و هویدای تکلم در قرآن کریم با «قول» و سیغ‌های متعدد آن ارائه می‌شود. در واقع «قول» بیانگر محتوای کلام است و بعد شناختی تکلم را نشان می‌دهد. «قول» نشانگر کیفیت شناخت گوینده از محتوای سخن است.

برای توضیح بیشتر می‌توان به آیات ۳۰ تا ۳۳ سوره مبارکه مریم رجوع نمود. عیسی (ع) گفت: «منم بنده خداوند که به من کتاب داده و مرا پیامبر قرار داده است و هر جا که باشم، مرا

وجودی مبارک ساخته و تا زنده‌ام، مرا به نماز و زکات سفارش نموده است و مرا نسبت به مادرم نیکوکار کرده و زورگو و نافرمانم نگردانیده است، و درود بر من، روزی که زاده شوم و روزی که می‌میرم و روزی که زنده برانگیخته می‌شوم». توضیح آنکه، حضرت عیسی(ع) در بدو تولد قادر به تکلم نبود، اما با یاری روح القدس تکلم کرد. این یاری دو بعد دارد: یکی تکلم آن حضرت و دیگری محتوای شناختی کلام وی که با «قال» نشان داده شده است. بعد شناختی کلام با «قول» نمایش داده شده است. حضرت عیسی(ع) می‌توانست تکلم کند، اما شناخت مفاهیم خدا، کتاب، والدین، نیکوکاری و ارتباط آنها با یکدیگر نیاز به یک شناخت دارد؛ یعنی «قول» بعد شناختی تکلم، یا به نقل از قاموس، موضوع تکلم است.

۲. «قول» دو بعد دارد: هم به صورت کلامی امکان دارد (مریم، ۳۰) و هم به صورت رمز و اشاره (مریم، ۲۶؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۵۷)؛ یعنی رمز و اشاره و بیان منظور نیز نوعی «قول» است. البته هنگامی که محتوای مورد اشاره با رمز مورد نظر است، از لفظ «قول» استفاده شده (مریم، ۲۶) و کلیت سخن گفتن با رمز و اشاره، با «تکلم» بیان شده است (ال عمران، ۴۱).

۳. تکلم

«تکلم» و «تکلم» هر دو در لغت به معنای سخن گفتن آمده که در اولی - برخلاف دومی - مفعول منظور است؛ مانند «وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا» (نساء، ۱۶۴)؛ یعنی خدا با موسی به طوری مخصوصی سخن گفت (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۱۴). در تحقیق فی کلمات القرآن آمده است: «الكلام فی أصل اللغة عبارة عن أصوات متتابعة لمعنى مفهوم، و فی اصطلاحها للنحاة: اسم لما ترکب من مسند و مسندالیه» (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۰، ص ۱۰).

با بررسی این کلمه در قرآن کریم نتایج ذیل قابل بیان است:

۱. زبان را ابزار ارتباط و انتقال اندیشه بین گوینده و شنونده تعریف کرده‌اند (فهمی حجازی، ۱۳۷۹، ص ۱۱؛ حق‌شناس، ۱۳۵۶، ص ۸). از دیدگاه قرآن کریم نیز خداوند متعال با بعضی پیامبران (بقره، ۲۵۳) مانند موسی(ع) تکلم می‌کند (اعراف، ۱۴۳). وقتی خداوند بخواهد از سخن گفتن انسان صحبت کند، از کلمه «تکلم» استفاده می‌کند (فاطر، ۱۰). با توجه به این آیات و معنای «تکلم» در کتب لغت و جامعیت این واژه نسبت به دیگر کلمات در قرآن کریم، می‌توان تکلم در دیدگاه قرآن را معادل زبان در روان‌شناسی دانست.

توضیح آنکه، در قرآن کریم در مواردی که به کلیت سخن گفتن خداوند - نه محتوای آن - اشاره شده، از لفظ «کَلِمَ» یا «کلام الله» استفاده شده است (یونس، ۶۴؛ اعراف، ۱۴۳؛ یوسف، ۵۴). از «قول» نیز در مواردی استفاده شده که در کلام، به محتوای سخن اشاره شده است. اما در تکلم علاوه بر محتوا، کلیت فرایند ارتباط خدا با طرف سخن نیز نهفته است. از این رو می‌توان استنباط کرد که «تکلم» در قرآن از جامعیت و کلیت بیشتری نسبت به مفاهیم مشابه آن برخوردار است؛ زیرا اگر «تکلم» را نسبت به دو مفهوم مشابه آن، یعنی «قول» و «لسان» در نظر بگیریم، در تمامی مواردی که کلیت کلام و سخن گفتن بدون توجه به محتوای آن مورد نظر است، از واژه «تکلم» استفاده شده است. در قرآن بیش از ۲۸ مورد مشتقات «کَلِمَ» مانند کَلِمَةُ، کَلِمَهُمْ، أَكَلِمَ، تَكَلَّمَ و تَكَلَّمْنَا آمده است که در همه موارد به کلیت کلام اشاره دارد. وقتی مراد بیان محتوای قول است، از واژه «قال» و مشتقات آن استفاده شده است؛ مانند آیه ۵۴ سوره یوسف که می‌فرماید: «فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدِينَا مَكِينٌ آمِينَ؛ پس چون با او سخن راند، گفت تو امروز نزد ما بامنزلت و امین هستی». ابن‌منظور نیز «قول» را هر کلامی می‌داند که زبان بدان گویا شود (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ص ۱۳۴).

از سوی دیگر، «لسان» در قرآن کریم به چهار معنا به کار رفته است: زبان و آلت نطق (فنج، ۱۱)، زبان قوم و ملتی (ابراهیم، ۴)، نام نیک و آوازه خوب (شعراء، ۸۴) و دعا (مائده، ۷۸)، که از بیان آنها دعا به بحث ما مرتبط است که آن هم اخص از تکلم است. از آنچه گفته شد همچنین می‌توان نتیجه گرفت که «قول» نیز اعم از مفهوم «لسان» است.

۲. از آنجا که به رمز و اشاره به دیگران چیزی را فهماندن نیز جزئی از تکلم است (آل عمران، ۴۱؛ گنابادی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۲۴۲)، تکلم هم با اشاره و هم با صوت تحقق می‌پذیرد. با توجه مختصر به آیه ۴۱ سوره آل عمران این استنباط به وضوح قابل دریافت است؛ آنجا که به مریم می‌فرماید: «أَلَّا تَكَلَّمُ النَّاسُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمُؤًا؛ با مردم تکلم نکن، مگر با رمز». پس رمز و اشاره، نوعی تکلم است.

۳. حضرت عیسی (ع) در گهواره با یاری و تأیید روح القدس تکلم کرد: «إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَالِدَتِكَ إِذْ أَيَّدتُّكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ» (مائده، ۱۱۰). این بدان معناست که توانایی تکلم نیاز به یاری دارد. «أُيِّدُ» در لغت به معنای نیرومند کردن و نیرو دادن (قرشی،

۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۵۱) و قوی کردن آمده است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۸۷). در حقیقت حضرت عیسی (ع) برای تکلم از آمادگی و استعداد نهفته‌ای برخوردار بوده که این استعداد با تأیید روح‌القدس به فعل درآمده است. طریحی در **مجمع البحرین** در تعریف واژه «أید» می‌گوید: «قولُهُ "وَأَيُّدُهُ بَرُوحُ الْقُدُسِ" أَيْ قُوَّتُهُ بِهِ وَ تَأْيِيدُ الشَّيْءِ: تَقْوَى» (همان). در واقع حضرت عیسی (ع) برای تکلم به یک ایجاد ابتدایی کلی و تام نیاز نداشته و تنها یاری و تأیید کفایت می‌کرده است. فعل «تأیید» در کتب لغت به معنای تقویت آمده است؛ تقویت نیز در موردی مصداق پیدا می‌کند که زمینه قبلی موجود باشد، و این استنباط از مفهوم «أید»، استنباط بعیدی نیست. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که در انسان به‌طور ذاتی توانایی تکلم به ودیعه گذاشته شده که تنها با یاری و تأیید (توسط خداوند یا واسطه دیگر، یا رسل یا رشد شناختی...) ظهور می‌یابد.

از سویی از آیات دیگری از قرآن کریم می‌توان فطری بودن قوه تکلم و نطق در انسان را دریافت. به‌عنوان مثال آیه ۲۱ سوره فصلت می‌فرماید: «قَالُوا أَنْطَقْنَا اللَّهَ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ...». در این آیه، به نطق درآمدن موجودات به خداوند نسبت داده شده، و این همان ذاتی بودن و فطری بودن آن است. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه با توجه به معنای نطق می‌نویسد: «حال ببینیم معنای (نطق) چیست؟ آنچه از معنای این کلمه قدر متیقن است، این است که هر جا به‌طور حقیقت استعمال شود، نه به‌طور مجاز، معنایش اظهار ما فی الضمیر است از راه زبان و سخن گفتن، و چنین معنایی محتاج به این است که ناطق علمی داشته باشد و بخواهد آن را برای غیر خود فاش سازد. راغب می‌گوید: کلمه "نطق" هیچ وقت در غیر انسان استعمال نمی‌شود، مگر به‌طور تبعی و به نوعی از تشبیه و از ظاهر سیاق آیات و الفاظ "قول"، "تکلم"، "شهادت"، "نطق" که در آنها آمده، این است که مراد از این الفاظ نطق به معنای حقیقی کلمه است، نه به معنای مجازی» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۵۷۶).

از این رو قرآن کریم بر ذاتی بودن تکلم (همسو با رویکردهای فطری‌نگر مانند نظریه چامسکی) مهر تأیید نهاده است. نگارندگان مقاله، این توانایی ذاتی برای تکلم را «تکلم بنیادی» می‌نامند.

تفاوت لسان و تکلم و قول

بنابر آنچه بیان شد، می‌توان تفاوت این واژگان را چنین بیان کرد:

۱. «قول» و «تکلم» با رمز و اشاره قابل تحقق است، اما «لسان» با اشاره قابل جمع نیست.

۲. «تکلم» کلی‌تر از «قول» و «قول» کلی‌تر از «لسان» است؛ یعنی «لسان» جزئی از «قول» و «قول» جزئی از «تکلم» است.

جمع‌بندی نظریه اکتساب زبان از دیدگاه قرآن

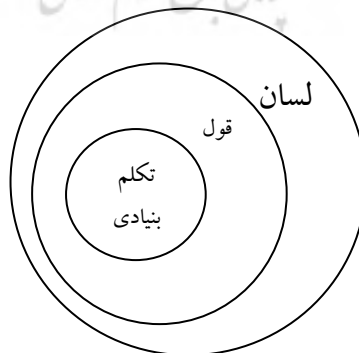
چنین استنباط گردید که در دیدگاه قرآن کریم، «تکلم» معادل «زبان» در روان‌شناسی است. در این دیدگاه، تکلم از سه بخش تشکیل شده است:

۱. «تکلم بنیادی» به‌معنای بعد ذاتی و بالقوه زبان که در هر شخصی وجود دارد، تأییدکننده نظریات فطری بودن زبان است که شاید بتوان آن را هم‌ردیف «بزار اکتساب زبان» چامسکی دانست.

۲. «قول»، موضوع تکلم و بعد شناختی آن است. این بعد تأییدکننده یادگیری شناختی زبان و نیز تأییدکننده نظریاتی مانند نظریه پیازه است.

۳. «لسان»، تأثیر انواع یادگیری شرطی، مشاهده‌ای و تعاملات اجتماعی را نشان می‌دهد. «لسان» تأییدکننده نظریات رفتاری و یادگیری اجتماعی زبان است. شاید بتوان لسان را هم‌ردیف مفهوم روساخت در نظریه چامسکی دانست، با این تفاوت که لسان از اهمیت اکتساب رفتارنگری برخوردار است.

۴. «تکلم بنیادی» تأییدکننده بعد فطری تکلم، «لسان» تأییدکننده بعد رفتارگرایی تکلم و «قول» تأییدکننده بعد شناختی تکلم می‌باشد. از این‌رو دیدگاه قرآن کریم در مورد اکتساب زبان در گروه رویکرد تعامل‌گرایان قرار می‌گیرد. نمودار تکلم از دیدگاه قرآن کریم در شکل زیر ارائه شده است.



سه. بررسی تفاوت‌های اکتساب زبان از دیدگاه قرآن و روان‌شناسی

۱. قرآن کریم مفهوم تکلم را شامل سه بخش تکلم بنیادی، قول و لسان می‌داند که اکتساب هر یک از این سه بخش به شیوه متفاوتی صورت می‌گیرد؛ اما در نظریات روان‌شناسی به علت عدم توجه به تقسیم‌بندی تکلم به شیوه قرآنی، برای هر سه بخش متفاوت، یک روش اکتساب تعریف شده است. البته چامسکی تقسیم‌بندی زیرساخت و روساخت را ارائه کرده، اما از آنجاکه تنها به زیرساخت توجه داشته و روساخت را نادیده گرفته، او نیز تکلم را عملاً به بخش‌های مختلفی تقسیم نکرده است تا برای هر بخش روش اکتساب مخصوص به آن را پیشنهاد کند.

۲. از آنجاکه نظریات رفتارگرایی، فطری‌نگری و شناختی، تنها به یک شیوه اکتساب زبان (تکلم) توجه داشته‌اند، مورد هجوم و انتقاد نظریه‌پردازان قرار گرفته‌اند و در مواردی نیز براساس بعضی آزمایشات تجربی زیر سؤال رفته‌اند. اما قرآن کریم با معرفی سه بعد تکلم، اصول مورد تأکید تمامی نظریات را مورد تأیید قرار داده و به نوعی آنها را جمع نموده است.

۳. دیدگاه قرآن کریم درباره اکتساب زبان با معرفی سه بخش تکلم بنیادی (اکتساب ذاتی بودن تکلم)، قول (اکتساب شناختی بودن تکلم) و لسان (اکتساب رفتارگرایی بودن تکلم)، جزو دیدگاه تعامل‌گرایان طبقه‌بندی می‌شود. بیشتر نظریات تعامل‌گرایی بر دو روش اکتساب زبان تأکید داشته‌اند. به عنوان مثال، نظریه تعامل‌گرایی اجتماعی بر نقش رفتارگرایی و شناخت، و نظریه چارچوب ارتباطی و نظریه آماری اکتساب زبان بر رفتارگرایی و ذاتی بودن زبان توجه داشته‌اند. در این میان، تنها نظریه پدیدارگرایان است که در اکتساب زبان به هر سه بعد ذاتی بودن، شناختی بودن و رفتارگرایی بودن اشاره دارد. تفاوت دیدگاه پدیدارگرایی با رویکرد قرآن کریم در نتیجه‌گیری از این تقسیم‌بندی است. دیدگاه پدیدارگرایی برای اکتساب زبان هر سه بعد ذاتی، رفتاری و شناختی را لازم می‌داند؛ اما قرآن کریم تکلم را به سه بخش تقسیم می‌کند و برای هر بخش فقط یک روش اکتساب مخصوص به آن را قائل است. این تقسیم‌بندی منحصر به قرآن کریم بوده و می‌توان آن را از نوآوری‌های علمی این کتاب برشمرد.

۴. هر کدام از نظریات اکتساب زبان - اعم از رفتارگرایی، شناختی یا فطری‌نگری - به تفصیل درباره روش اکتساب زبان از دیدگاه خود توضیح داده‌اند که به آن اشاره شد؛ اما در مقابل، ماهیت سه بخش تکلم بنیادی، قول و لسان در نگاه قرآنی هنوز واکاوی نشده و در این مقاله

نیز به آن حوزه ورود صورت نگرفت. بنابراین چشم‌انداز وسیع تحقیقات آینده در زمینه اکتساب زبان در قرآن کریم می‌تواند رشد شناختی «قول» و چگونگی یادگیری «لسان» در اکتساب زبان از دیدگاه قرآن کریم باشد.

نتیجه

اكتساب زبان فرایندی است که طی آن انسان توانایی ادراک و فهم زبان و استفاده از کلمات و جملات را برای برقراری ارتباط به‌دست می‌آورد. در دیدگاه روان‌شناسی، رفتارگرایان اکتساب زبان را براساس یادگیری، فطری‌گرایان اکتساب زبان را ذاتی و شناخت‌گرایان آن را شناختی و تعامل‌گرایان اکتساب زبان را ترکیبی از دو یا سه رویکرد فوق می‌دانند. دیدگاه قرآن کریم همسو با رویکردهای تعامل‌گرایی، به‌ویژه رویکرد پدیدارگرایی است که در اکتساب زبان به هر سه بعد ذاتی، شناختی و یادگیری توجه داشته است؛ اما هنر قرآن کریم این است که اکتساب زبان (تکلم) را به سه بخش تکلم بنیادی، قول و لسان تقسیم می‌کند، و «تکلم بنیادی» را ذاتی، «قول» را شناختی و «لسان» را اکتسابی می‌داند؛ تقسیم‌بندی‌ای که در هیچ رویکرد دیگری شبیه به آن مشاهده نشده است و از نوآوری‌های علمی قرآن کریم می‌باشد.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
- ابن‌منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، چ ۳، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ق.
- اچسون، جین، روان‌شناسی زبان، ترجمه عبدالخلیل حاجتی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴.
- برک، لورا، روان‌شناسی رشد، ترجمه سید یحیی محمدی، تهران: نشر ارسباران، ۱۳۸۷.
- حق‌شناس، علی‌محمد، آواشناسی، تهران: آگاه، ۱۳۵۶.
- طباطبایی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، چ ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.
- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، چ ۳، تهران: انتشارات مرتضوی، ۱۳۷۵.
- فهمی حجازی، محمود، زبان‌شناسی عربی، ترجمه دکتر سید حسین سیدی، تهران: سمت، ۱۳۷۹.

- قرشی، سید علی‌اکبر، **قاموس قرآن**، چ ۶، تهران: انتشارات دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.
- گنابادی، سلطان محمد، **تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة**، ترجمه محمدرضا خانی و حشمت‌الله ریاضی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۲.
- لرنر، ژ، **ناتوانی‌های یادگیری نظریه‌ها، تشخیص و راهبردهای تدریس**، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۴.
- مشکوة‌الدینی، مهدی، «رشد زبان و فرضیه‌های زبان‌آموزی کودک»، **مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران**، شماره ۱۵۸، تابستان و پاییز ۱۳۸۰.
- مصطفوی، حسن، **التحقیق فی کلمات القرآن کریم**، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.
- ناعمی، علی محمد، **روان‌شناسی آموزش مهارت‌های ارتباط زبان**، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۸۵.
- Bruner, J, **Child's Talk: Learning to Use Language**, Oxford: Oxford University Press, 1983.
- Cowie, F, **What's Within? Nativism Reconsidered**, New York: Oxford University Press, 1999.
- Graf, Katharine. E & S. Alibali, "Can Infants Map Meaning to Newly Segmented Words? Statistical segmentation and word learning", **Psychological Science**, 18 (3), PMID 17444923, 2007.
- Harris, M, **Language Experience and Early Language Development: From Input to Uptake**, UK: Psychology Press, 1992.
- Hayez, S.C. Dermot & others, **Relational Frame Theory: A Post-Skinnerian Account of Human Language and Cognition (Hardcover)**, New York: Plenum Press, 2001.
- Ipek, H, "Comparing and Contrasting First and Second Language Acquisition: Implications for Language Teachers", **English Language Teaching Journal**, Vol.2, 2009.
- Kendra, A.P, **Understanding Human Language: An In-Depth Exploration of the Human Facility for Language**, in: StudentPulse.com, Retrieved 22 August, 2012 .
- Kosslyn, S. M & N. O, Daniel, **An Invitation to Cognitive Science**, Cambridge, MA: MIT, 1995.
- Lany, J & J.R, Saffran, "From Statistics to Meaning: Infants' Acquisition of Lexical Categories", **Psychological Science**, 21, 284-291, 2010.
- MacWhinney, B, **The emergence of language from embodiment**, In B. MacWhinney (Ed), **the emergence of language**, Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum, 1999.
- Parilah, M.S, Aminuddin.Y & others, "Process of L1 Acquisition: Linguistic Theory in Application", **Research Journal of International Studies**, Issue 14, 2010.
- Pinker, S, **The Language Instinct: How the Mind Creates Language (P.S.)**, New York: Harper Perennial Modern Classics Publisher, 2007.

- Scholz, B. and G.Pullum, "Irrational Nativist Exuberance", In: **Contemporary Debates in Cognitive Science**, Oxford / Basil Blackwell, 2006.
- Seidenberg, M. S & J.L, McClelland, "A distributed developmental model of word recognition and naming", **Psychological Review**, 96 (4), 1998.

